

بازگشت به «علی‌الاصول»

دکتر جمشیدی، کارشناس مسائل سیاسی با انتقاد تند از رویکرد مذاکره‌محور دولت و شورای عالی امنیت ملی، تأکید کرد تفاهم‌نامه با آمریکا از همان ابتدا با نقض تعهدات همراه بوده و در نهایت نه تنها دستاوردی نداشته، بلکه به افزایش تنش‌ها و برافروخته شدن شعله‌های درگیری منجر شده است. وی با اشاره به تعهدات داده‌شده به رهبر انقلاب و مردم، این مسیر را «خطای راهبردی» توصیف کرده و خواستار پاسخگویی و عذرخواهی رئیس دولت شد و در عین حال بر لزوم تجدیدنظر جدی در سیاست مذاکره با آمریکا تأکید کرد.



۲

نوبت تعهد رئیس جمهور

با گذشت چند هفته از امضای تفاهم میان ایران و آمریکا، امروز عملاً آخرین بند از این توافق نقض شد؛ توافقی که قرار بود گره‌گشا باشد، اما عملاً بی‌ثمر و بی‌حاصل از کار درآمد. این در حالی است که رهبر انقلاب پیش‌تر با وجود نظر مخالف، صرفاً بر مبنای تعهد رئیس‌جمهور به پاسداشت حقوق ملت، مجوز این مسیر را صادر کرده بودند. حالا با بر زمین ماندن آن تعهد و بی‌نتیجه ماندن توافق، پرسش از مسئولیت و پاسخگویی، بیش از هر زمان دیگری در کانون توجه قرار گرفته است.



محکومیت اقلیت رانتی

۳

عربستان در باتلاق یمن

۶



آمریکا هنوز تلخی شکست را درک نکرده است

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

شدت گرفتن نبرد میان ایران و آمریکا در منطقه تنگه هرمز، نوار ساحلی جنوب ایران و همچنین پایگاه‌های آمریکایی مستقر در منطقه حاشیه خلیج فارس و کشورهای همجوار، همچون اردن، نشانگر این واقعیت است که دیگر کمتر صاحب‌نظر و تحلیل‌گر متصفی پیدا می‌شود که به تداوم تفاهم‌نامه‌ای که تنها کارکرد آن در نزدیک به ۳۰ روز حیاتش، پر شدن دوباره ذخایر استراتژیک نفت برای آمریکا و غرب، خنثی شدن بحران نفتی به عنوان پاشنه آشیل آمریکا و فراهم آوردن زمانی برای تدارک و بازسازی نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی جهت حمله مجدد بود، امید داشته باشد.

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۱۱

سیاست خارجی



نقض آخرین بند باقیمانده از تفاهم

اسماعیل بقائی گفت: آمریکایی‌ها حتی بازه یک ماهه بند ۵ را تحمل نکردند و از همان ابتدا به دبه‌کاری پرداختند و توافق را مثله کرده‌اند. ساعاتی پس از این اظهارات ترامپ با اعلام بازگشت محاصره دریایی، روند نابودی تفاهم را تکمیل کرد.

صفحه ۱۴

اقتصادی



بورس در جدال سودآوری و بی‌اعتمادی

گزارش‌های سه ماهه برخی شرکت‌ها از بهبود سودآوری حکایت دارد و تداوم خروج سنگین پول حقیقی و سایه ریسک‌های سیستماتیک، فضای معاملات را تحت تأثیر قرار داده است. شرایطی که نشان می‌دهد فعلاً اعتماد، مهم‌ترین متغیر تعیین‌کننده مسیر بورس است.

با پایان قلمداد کردن تفاهمنامه روسای جمهور ایران و آمریکا توسط ترامپ و تجاوزات مکرر این کشور به مناطق مختلف کشورمان، حکمت "نظر دیگر" رهبر انقلاب روشن شد

بازگشت به «علی‌الاصول»



گروه سیاسی

نوبنیاد

دکتر مهدی جمشیدی کارشناس مسائل سیاسی طی یادداشتی نوشت:

۱. آنچه اعضای شورای عالی امنیت ملی با صدرنشینی رئیس دولت و رئیس مجلس می‌طلبیدند و با اصرارهای ناموجه، رهبر انقلاب را وادار به قبول آن کردند، نتوانست از میدان «تجربه عینی»، کامیاب بیرون آید. یادداشت تفاهم نامه، از آغاز «نقض» گردید و در نهایت، ترامپ آن را «تمام‌شده» معرفی کرد.

رئیس دولت و اعضای شورای عالی امنیت ملی، نسبت به «پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت»، متعهد شده بودند و براین گمان بودند که شروط مندرج در این تفاهم‌نامه، نقض نخواهند شد و بر اساس همین باور نیز تابع «نظر دیگر رهبر انقلاب» نشدند و به سوی میز مذاکره با آمریکا شتافتند.

اینک پس از یک ماه، تفاهم‌نامه پرباد رفته و شعله‌های جنگ، برافروخته شده است. ازاین‌رو، تعهد شخص رئیس دولت به رهبر انقلاب، نقض گردید و واقعیت، آن نیست که او پیش‌بینی کرده بود. رهبر انقلاب، مشروط به تحقق شروط، اجازه مذاکره با آمریکا را داده بودند، و از شخص رئیس دولت، تعهد گرفته بودند.

۲. حال که چنین نشده، رئیس دولت باید اولاً، به‌راستی شرمسار و سرافکنده باشد که تعهدش، عملی نگردید و «حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت» تضییع شد؛ ثانیاً، او باید از رهبر انقلاب و مردم «عذرخواهی» کند که به راه خطا رفت و فرصت تنفس

اقتصادی و نظامی را به دشمن داد و نتوانست از طریق مذاکره، کشور را از شرایط «نه صلح» خارج سازد؛ ثالثاً، حداقل پس از این تجربه تلخ و گزنده، ساده‌اندیشی و سطحی‌نگری را کنار ببرد و کوشش نکند با اجماع‌سازی تصنعی در شورای عالی امنیت ملی، در برابر نظر صواب و حکیمانه رهبر انقلاب قرار بگیرد و کشور را دچار مخاطره و صدمه کند.

رئیس دولت، یک جراح قلب است که به‌صورت اتفاقی برکرسی ریاست دولت تکیه زده، وگرنه روشن است که او فاقد ذهنیت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است و جز قدری کلیات معیوب و مخدوش در این زمینه‌ها، چیزی نمی‌داند. اونه معلومات لازم برای این کرسی را دارد و نه خلقیات آن را. امروز آشکار گردیده که او، قدرت تدبیر و بضاعت حکمرانی ندارد و دولت‌ش، «دولت ضعیف» است. حال که چنین است، کمترین توقع این است که او، جهان ذهنی به‌شدت «خام» و «رقیق» و «غیرعالمانه» اش را بر ساختار، تحمیل نکند تا خسارت و هزینه فزون‌تر ایجاد نگردد.

۳. «مسیر تفاهم»، غلط است، نه فقط «مفاد تفاهم». معنی تفاوت علی‌الاصولی، تفاوت در جزئیات تفاهم نیست، چون در این حال، تفاوت «علی‌الفروع» خواهد شد نه علی‌الاصول. علی‌الاصول، زمانی معنا می‌یابد که «بنیان» و «اساس» یک رویکرد، خطا و ناصواب باشد. چه امام راحل و چه امام شهید، هر دو علی‌الاصول با «مذاکره با آمریکا» مخالف بودند و آن را «ممنوع» اعلام کرده بودند.

روشن است که در این چهارچوب راهبردی، رهبر شهید بارها تصریح کرد که از طریق

مذاکره، هیچ مشکلی حل نخواهد شد، بلکه بر حجم مشکلات افزوده خواهد شد. این موضع، جزو قطعیات و متواترات تفکر رهبر شهید است و هر تفاوتی با این رویکرد، «تفاوت علی‌الاصولی» محسوب می‌شود.

اگر رخ‌دادن جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم و کودتا را اضافه کنیم و در نظر آوریم که رهبر انقلاب به همراه هفت هزار ایرانی در این وقایع به شهادت رسیدند، بدیهی است که باید «به‌طور کلی» و «برای بلند مدت»، پرونده مذاکره با آمریکا را ببندیم.

اگر مذاکره با آمریکا تا دیروز، به تعبیر رهبر شهید، غیرشرافتمندانه و غیرعقلانه بود، امروز پس از آن همه فجایع و جنایات نابخشودنی، چه حکم غلیظی خواهد داشت؟! رئیس دولت و رئیس مجلس به عنوان پرچمداران سیاست مذاکره‌مدار، امتداد رویکرد برجام هستند که همچون گذشته، حاصلی جز خسارت محض نداشت.

۴. توقع «اعتماد» به رؤسای دولت و مجلس، زمانی به‌جا و موجه است که جامعه در گفتار و عملکرد اینان، عقل و تدبیر را احساس کند، نه اینکه دریابد هم‌نظر اینان با نظر رهبر انقلاب، علی‌الاصول و از بنیان، متفاوت بوده؛ و هم‌اینان بر نظر ناروا و ناصواب خویش اصرار ورزیده‌اند؛ و هم واقعیت عینی، خطای راهبردی اینان را در آتش بس و مذاکره با آمریکا نشان داد.

وقتی کارگزار حکومتی، پیوسته گرفتار «اشتباهات بزرگ» می‌شود و توان تشخیص راه را از بی‌راهه ندارد و در عمل نشان می‌دهد که کفایت و کاردانی ندارد، نمی‌توان جامعه در هم‌پیچیده را دعوت به اعتماد سیاسی کرد. عمل اینان، اعتمادسوز بود و در عمق جامعه، بدبینی و دلزدگی آفریده است.

خبر کوتاه

مخبر: تنگه هرمز، تنگه احد امروز ماست

محمد مخبر مشاور و دستیار مقام معظم رهبری در پی تحولات اخیر در منطقه خلیج فارس و اقدامات خصمانه آمریکا علیه ملت ایران در صفحه شخصی خود نوشت: تنگه هرمز، با عبرت‌های تاریخی، تنگه احد امروز ماست و ارزش راهبردی، منافع امنیتی و اقتصادی آن برای ملت مبعوث ایران، جایگزینی ندارد. وی ادامه داد: از آن دفاع می‌کنیم تا برای عبور کشتی‌هایمان در آینده، مجبور به باج دادن به دشمن نباشیم! عقب‌نشینی از این مهم، در ذهن هیچ ایران‌دوستی جایگاهی ندارد.

دلنوشته دختر شهید رئیسی

برای رهبر شهید

ریحانه سادات رئیسی دختر شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در صفحه شخصی خود در بله نوشت: «آقای شهید امت! شما در چهلیم شهید جمهور به ما فرمودید که: خانواده که جای خود دارد اما من بیشتر از همه از شهادت ایشون خسارت دیدم... آقای شهید ما ما هم همین‌طور! خانواده تان که جای خود را دارند اما ما خانواده شهید جمهور بیش از همه خسارت دیدیم از شهادت شما حواسمان هست گوشه کنار و یواشکی دور از چشم همه و هیاهوها، عجیب لطف می‌کنید. همسایه شهید جمهور.»

سخنگوی سپاه: حاکمیت بر تنگه هرمز

را با قوت اعمال می‌کنیم

سردار محبی سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: آمریکا با مداخله در تنگه‌ی هرمز امنیت تامین نفت و گاز جهان را به خطر جدی انداخته است و باید جوابگو باشد. حاکمیت و مدیریت بر تنگه هرمز را همچنان با قوت و قدرت اعمال می‌کنیم و بیگانگان و همپیمانان آنان را وادار به تسلیم در برابر اراده ملت ایران خواهیم کرد. سردار محبی همچنین نوشت: همان‌طور که اهداف متوهمانه سردمداران آمریکا در آغاز تجاوزشان را به بازگشایی تنگه هرمز تنزل دادیم، در شارات جدیدشان بیشتر از گذشته آنها را به خفت و استیصال می‌کشانیم.

ادعای آمریکا درباره پایبندی

به توافقات فریب بود!

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد مردم عزیز ایران اسلامی در تجمعات شبانه، تجاوز مجدد ایالات متحده آمریکا به خاک جمهوری اسلامی ایران را محکوم و حمایت همه جانبه خود را از نیروهای مسلح اعلام می‌دارند.

متن اطلاعیه به شرح زیر است: تجاوز مجدد و آشکار ایالات متحده آمریکا به حریم سرزمینی جمهوری اسلامی ایران و هدف قرار دادن مراکز نظامی، انتظامی، زیرساخت‌های ارتباطی، تأسیسات آب‌رسانی و فرودگاه‌های استان‌های خوزستان، هرمزگان، بوشهر، مرکزی و لرستان و اصفهان، بار دیگر اثبات کرد که دولت آمریکا، علی‌رغم همه ادعاهای

فریبکارانه درباره صلح، مذاکره و پایبندی به توافقات، همچنان منطق سلطه، جنگ افروزی، عهدشکنی و توسل به زور را مبنای رفتار راهبردی خود قرار داده است. این تجاوز آشکار را به شهادت و مجروح شدن جمعی از هموطنان عزیز انجامید، نقض صریح حاکمیت ملی، حقوق بین‌الملل و تمامی تعهدات و تفاهمات اعلام‌شده است و مسئولیت کامل پیامدهای آن بر عهده دولت ایالات متحده آمریکا خواهد بود. این حملات سازمان‌یافته که با هدف تضعیف توان دفاعی، ایجاد اختلال در زیرساخت‌های حیاتی و گسترش دامنه جنگ طراحی شده است، بیانگر شکست او در تحقق اهداف راهبردی و ناتوانی در تغییر اراده ملت ایران است.

تجربه همه رویارویی‌های گذشته نشان داده است که هرگونه خطای محاسباتی دشمن، انسجام ملی را استحکام بخشیده و اراده ملت و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را برای دفاع از عزت، استقلال و تمامیت ارضی کشور راسخ‌تر ساخته است.

ملت شریف ایران امشب با حضور پرشور در میادین اصلی شهرهای سراسر کشور، ضمن محکومیت شدید این اقدام جنایتکارانه و عهدشکنی آشکار آمریکا، حمایت قاطع و همه‌جانبه خود را از فرزندان غیور ملت در نیروهای مسلح و پاسخ‌گوینده و پشتیبان‌کننده به دشمن متجاوز اعلام می‌نماید.

گفتمان

پاسخ رهبر شهید انقلاب به پیشنهاد انتقال به محل امن چه بود؟

ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با جهان نیوز گفت: یک خاطره را با واسطه از شهید پاکپور نقل می‌کنم. ایشان می‌گفت خدمت رهبر شهید رسیدم و عرض کردم محلی که شما در آن زندگی می‌کنید، از نظر امنیتی مناسب نیست و ممکن است آسیب‌پذیر باشد. پیشنهاد کردم به مکانی امن‌تر یا پناهگاهی که شرایط حفاظتی بهتری دارد منتقل شوید. ایشان در پاسخ فرمودند: «فکر می‌کنی می‌توانی مرا به جایی ببری که همه مردم هم بتوانند آنجا باشند؟ همه مردم پناهگاه دارند؟ همه مردم زیرزمین یا جای امن دارند؟» وقتی عرض شد که چنین امکانی برای همه مردم وجود ندارد، فرمودند: «پس چه توقعی دارید من در شرایطی غیر از شرایطی

که مردم زندگی می‌کنند، زندگی کنم؟ اگر فکر می‌کنید من ضرری شوم به جایی بروم که برای من امن باشد، اما مردم چنین امکانی نداشته باشند، باید بگویم اشتباه می‌کنید. من چنین کاری نخواهم کرد.» البته تأکید داشتند که در موضوعات تاکتیکی، پدافند غیرعامل و جابه‌جایی‌هایی که ضرورت عملیاتی داشته باشد، با نظر کارشناسان همراه هستند، اما اینکه خودشان در شرایطی متفاوت از مردم قرار بگیرند، هرگز آن را نمی‌پذیرفتند.



یادداشت

پایان عصرِ توهم؛

مذاکره ابزار است، نه آرمان

علیرضا تسلیمی

روزنامه‌نگار

در سیاست خارجی، بزرگ‌ترین خطای استراتژیک، خلط «ابزار» با «هدف» است. مذاکره، به خودی خود یک آرمان نیست؛ بلکه یک ابزار در جعبه ابزار سیاست‌ورزی است که کارایی‌اش کاملاً وابسته به زمان‌شناسی و نسبت آن با قدرت ملی است. اگر مذاکره در خدمت ارتقای جایگاه کشور و تثبیت منافع ملی باشد، ستودنی است؛ اما اگر به دستاویزی برای فرسایش توان بازدارندگی بدل شود، نه تنها گره‌گشا نیست، بلکه خود به عامل تضعیف کشور تبدیل می‌شود.

تجربه تاریخی ملت ما، از سال‌های تلخ اشغال و تحقیر در دهه‌های گذشته تا امروز، یک حقیقت ساده را پیش روی ما گذاشته است: ایران قدرتمند، ایران مقتدر است. نگاهی به مسیر پرفراز و نشیب این سرزمین نشان می‌دهد که هرگاه اراده‌ای برای ساختن قدرت درونی شکل گرفته، نگاه‌های خیره‌سَر خارجی ناچار به عقب‌نشینی شده‌اند. برعکس، آنجا که اقتدار کشور در سایه تردید یا خوش‌خیالی‌های دیپلماتیک قرار گرفته، دشمن نه تنها از دشمنی دست برنداشته، بلکه گستاخ‌تر شده است.

اینکه برخی گمان می‌کنند اولویت سیاست خارجی باید با معیشت باشد و امنیت را در پله‌ای پایین‌تر قرار می‌دهند، یک دوگانه کاذب است. اساساً اقتصاد پویا در یک «خلأ امنیتی» رشد نمی‌کند. کشوری که در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» گیر کند، کشوری که مرزها و امنیتش هر روز مورد تعرض کلامی یا میدانی قرار بگیرد، نمی‌تواند به ساحل آرامش اقتصادی برسد. امنیت، اکسیژن اقتصاد است؛ و بازدارندگی، بهترین ضامن امنیت.

امروز، دشمنان نه از مذاکره، بلکه از «ظهور یک قدرت جدید» واهمه دارند. این بی‌تابی و عصبانیتی که در رفتار حاکمان آن سوی مرزها دیده می‌شود، نشانه استیصال است؛ چرا که آن‌ها در حال مشاهده تکثیر یک روحیه جمعی و امت‌گونه‌اند که دیگر با تحریم و تهدید فرو نمی‌ریزد.

مسیر پیش رو روشن است: ما نه به دنبال تشسیم و نه شیفته مذاکره. ما به دنبال حقیقتی هستیم که شهید بهشتی در آن کلام ماندگار خود خطاب به دشمن فریاد زد: «از این عصبانیت بمیر.» این یعنی عصبانیت دشمن، بهترین گواه بر مسیر درست ماست. دستگاه دیپلماسی باید بداند که پشتوانه اصلی‌اش نه «متن‌های تقاهم»، که اقتدار میدانی و وحدت ملی است. هر جا که اقتدار هست، دیپلماسی هم حرفی برای گفتن دارد؛ و هر جا که قدرت رنگ ببازد، دیپلماسی هم به انفعال می‌رسد. انتخاب ما مست؛ ایستادن بر سر موضع قدرت، یا گم شدن در هزارتوی مذاکرات بی‌نتیجه.

✓ محکومیت اقلیت رانتی؛ عباس عیدی و روزنامه اعتماد مجرم شناخته شدند

دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی، اعلام کرد اتهامات مطرح‌شده علیه عباس عیدی و روزنامه اعتماد، «ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه» و «نشر اکاذیب و مطالب خلاف واقع» است؛ پرونده‌ای که با اعلام جرم دادستانی تهران و همچنین شکایت حدود ۸۰۰ نفر از مردم و جمعی از اقشار شهرستان کاشمر تشکیل شده است. براساس اعلام نصراللهی، موضوع پرونده به یادداشت عباس عیدی در روزنامه اعتماد مورخ ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ بازمی‌گردد؛ یادداشتی که در بخشی از آن آمده است: «بدتر اینکه، اکثریت مردم هم با تصمیماتی که یک اقلیت رانتی از کف خیابان تحمیل کنند، همدلی نخواهند



سخنگوی هیئت منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی از مجرم شناخته شدن عباس عیدی و روزنامه اعتماد در پرونده‌ای با اتهام «ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه» و «نشر اکاذیب و مطالب خلاف واقع» خبر داد. اکبر نصراللهی، سخنگوی هیئت منصفه

بیست و پنج روز از یک «توافق»؛ تفاهم‌نامه ایران و آمریکا مثله شد، تیم مذاکره‌کننده اما پیروزی می‌بیند

نوبت پاسخگویی

بیست و پنج روز از امضای الکترونیکی یادداشت تفاهم اسلام‌آباد میان تهران و واشنگتن می‌گذرد و به گفته سخنگوی وزارت خارجه، این توافق عملاً وارد «مرحله بحران» شده است. بقایای روز گذشته در نشست خبری خود گفت آمریکایی‌ها حتی اجازه ندادند مهلت یک‌ماهه بند پنجم درباره تنگه هرمز به پایان برسد و با تحریک کشورهای منطقه، مسیر توافق‌شده را دور زدند. در همین حال، محمدسعید احدیان، مشاور محمدباقر قالیباف، در پیامی که در کانال رسمی رئیس مجلس بازنشر شد، همچنان از تفاهم‌نامه به‌عنوان دستاورد دفاع کرده و هیچ نشانه‌ای از بازبینی در مواضع تیم مذاکره‌کننده دیده نمی‌شود؛ آن هم در حالی که شمار شهادی حملات اخیر همچنان افزایش می‌یابد.

سعید قاسمی

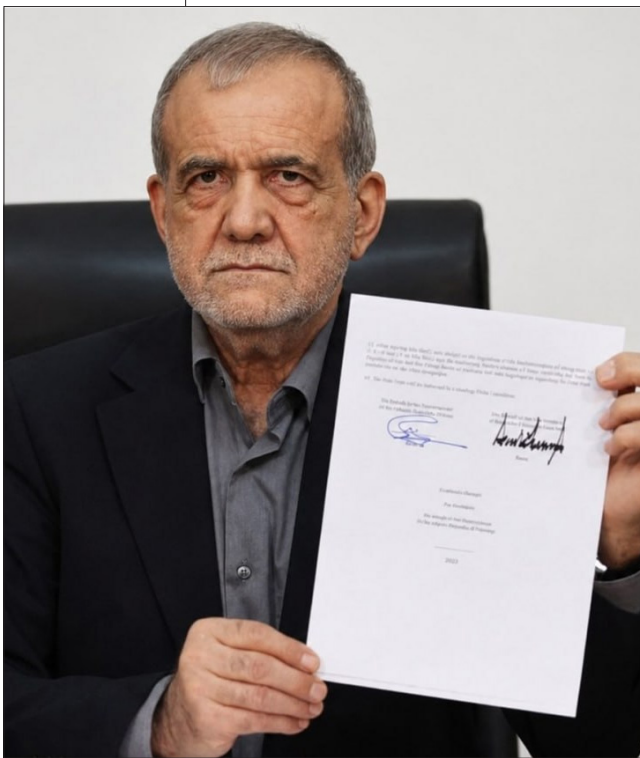
روزنامه‌نگار

متوقف شود، توانسته صد‌ها میلیون دلار درآمد نفتی، تخلیه محموله‌های اساسی در بنادر و کاهش موقت فشار نظامی را برای ایران به ارمغان بیاورد و هیچ تصمیمی برخلاف نظر رهبری گرفته نشده است.

نکته قابل توجه این جاست که همین یادداشت، خط قرمز روشنی هم ترسیم کرده بود: هیچ مذاکره‌ای تا محقق‌نشدن شروط تفاهم‌نامه در جریان نیست. حالا که به تأیید سخنگوی وزارت خارجه، دقیقاً همان بند کلیدی یعنی بند پنجم نقض شده، پرسش اصلی این است که تیم مذاکره‌کننده و شخص قالیباف، که این تفاهم‌نامه را دستاوردی برای ایران معرفی کرده بودند و از آن به عنوان سند پیروزی جوهری اسلامی یاد می‌کردند در برابر نقض آشکار و رسمی‌شده آن چه پاسخی دارند؟

تاکنون هیچ واکنش تازه‌ای که نشان‌دهنده بازنگری در ارزیابی مثبت تیم مذاکره‌کننده از این توافق باشد از سوی قالیباف یا نزدیکان او منتشر نشده است. همان استدلال‌هایی که پیش از تأیید رسمی نقض بند پنجم مطرح می‌شد - بیرون کشیدن امتیاز از آمریکا، بازسازی ظرفیت نظامی، افزایش صادرات نفت - کاهش فشار بر لبنان، همچنان بدون تغییر تکرار می‌شود، بی‌آنکه در ترازوی هزینه‌های واقعی این ۲۵ روز سنجیده شود.

این سکوت در برابر واقعیتی که خود سخنگوی وزارت خارجه آن را «بحران» می‌نامد، دقیقاً همان چیزی است که منتقدان تیم مذاکره‌کننده از ابتدا هشدارش را می‌دادند: اعتماد به تعهد طرفی که در همان روزهای نخست، پیش از پایان مهلت یک‌ماهه، زیر قول خود زده و عهدشکنی از خصوصیات ماهوی و



ذاتی آن است.

اما در واقع بخشی از هزینه این خوش‌بینی را باید در آمار وزارت بهداشت جست‌وجو کرد. علی‌رغم برقراری آتش‌بس و امضای تفاهم‌نامه، حملات هوایی آمریکا به شش شهر کشور در ۱۷ و ۱۸ تیر جان ۱۷ هم‌وطن را گرفت و بیش از صد نفر را مجروح کرد؛ آماري که در روزهای بعد نیز متوقف نشد و در حمله به ماهشهر در ۲۲ تیر - یعنی همان روزی که بقایای از فروپاشی تدریجی توافق سخن گفت - یک شهید و چند مجروح دیگر بر آن افزوده شد. به این ترتیب، در کمتر از چهار هفته از امضای سندی که قرار بود پایان بخش جنگ باشد، مجموع شهادی حملاتی که پس از آن رخ داده به نزدیک بیست نفر رسیده است.

اکنون پرسشی که بی‌پاسخ مانده این است: چند شهید دیگر لازم است تا تیم مذاکره‌کننده و کسانی که این تفاهم‌نامه را پیروزی نامیدند، حاضر شوند آن را با واقعیت میدانی محک بزنند؟ وقتی سخنگوی رسمی وزارت خارجه به صراحت از نقض یک طرفه سخن می‌گوید، اصرار بر روایت دستاورد، دیگر نه دفاع از دیپلماسی که نادیده گرفتن هزینه‌ای است که مردم مناطق مورد حمله می‌پردازند. تجربه نشان داده در نبود پاسخ‌گویی روشن از سوی طراحان و مدافعان تفاهم‌نامه، تکرار الگوی «امضا، نقض، توجیه» بعید نیست همچنان ادامه یابد.

نزدیک به یک ماه از لحظه‌ای که روسای جمهوری ایران و آمریکا یادداشت تفاهم خاتمه جنگ را به صورت الکترونیکی امضا کردند می‌گذرد؛ سندی که قرار بود چارچوب عبور از بحران باشد اما در عمل، به گفته سخنگوی دستگاه دیپلماسی کشورمان، طی همین بازه کوتاه «مثله» شده است. اسماعیل بقایی دوشنبه ۲۲ تیر، در نشست خبری هفتگی خود با صراحت غیرمعمولی از عبور طرف آمریکایی از تعهداتش سخن گفت و تأکید کرد ایران هرگاه به تفاهمی رسیده با حسن نیت به آن عمل کرده، اما طرف مقابل حتی صبر نکرده تا مهلت یک‌ماهه مقرر در بند پنجم درباره ترتیبات تنگه هرمز سپری شود.

به گفته بقایی، بند پنجم تفاهم‌نامه تفسیرپذیر نیست و به صراحت مدیریت بازگشایی تنگه هرمز را برعهده ایران گذاشته است. او گفت آمریکایی‌ها از همان روزهای نخست به جای اجازه دادن به ایران برای انجام این کار، با تحریک و همراه کردن برخی کشورهای منطقه تلاش کردند مسیر هماهنگ‌شده با تهران را دور بزنند و مسیر جایگزینی برای عبور از تنگه ایجاد کنند. او این اقدام را ناقض تفاهم‌نامه و عامل بازگشت ناامنی به کشتیرانی منطقه دانست.

این در حالی است که پس از اظهارات بقایی و اعتراف به شکست تفاهم‌نامه، کانال رسمی محمدباقر قالیباف یادداشتی از مشاور او، محمدسعید احدیان، بازنشر کرد که در آن هرگونه انتقاد به رویکرد تیم مذاکره‌کننده و شخص رئیس مجلس رد شد. در این یادداشت آمده است که تفاهم‌نامه حتی اگر همین‌جا هم

بانک مرکزی و پارادوکس ارز اربعین



آغاز فروش ارز اربعین از روز شنبه هفته جاری، برخلاف انتظار زائران، با حاشیه‌ای کم سابقه همراه شد؛ حاشیه‌ای که به دلیل گران‌تر بودن نرخ رسمی نسبت به بازار آزاد شکل گرفت. این موضوع حتی به افزایش نرخ دینار در بازار آزاد نیز دامن زد. در سال ۱۴۰۴، بانک مرکزی هر هزار دینار عراق را به طور متوسط با نرخ ۵۵ هزار تومان عرضه می‌کرد، در حالی که همین میزان ارز در بازار آزاد حدود ۷۰ هزار تومان قیمت داشت. در نتیجه، زائران برای دریافت سهمیه ۲۰۰ هزار دیناری خود حدود ۱۱ میلیون تومان پرداخت می‌کردند، اما امسال شرایط تغییر کرد. با آغاز عرضه ارز اربعین از ۲۰ تیرماه، نرخ رسمی فروش بانک‌ها برای هر هزار دینار در محدوده ۱۲۷ تا ۱۲۹ هزار تومان قرار گرفت؛ رقمی که نه تنها تقریباً دو برابر سال گذشته بود، بلکه حدود ۱۰ هزار تومان از قیمت بازار آزاد نیز

مستولان بانک مرکزی افزایش قیمت نسبت به سال گذشته را نتیجه سیاست دولت برای یکسان‌سازی نرخ ارز عنوان کردند؛ سیاستی که از نیمه دی‌ماه سال گذشته با حذف ارز ترجیحی و نزدیک شدن نرخ‌های رسمی به بازار آزاد آغاز شد. مهم‌ترین حاشیه زمانی ایجاد شد که بازار آزاد به نرخ رسمی واکنش نشان داد. تا عصر روز یکشنبه هفته جاری، هر هزار دینار عراق در بازار آزاد بین ۱۰۸ تا ۱۱۵ هزار تومان معامله می‌شد، اما تنها یک روز بعد (دیروز) و هم‌زمان با اعلام نرخ رسمی در محدوده ۱۲۷ هزار تومان از سوی بانک مرکزی، قیمت بازار آزاد نیز با جهشی بیش از ۱۰ درصدی، به حدود ۱۲۰ هزار تومان رسید. فعالان بازار ارز می‌گویند: پایین‌تر ماندن نرخ آزاد نسبت به نرخ رسمی در عمل دوام چندانی ندارد و بازار خود را با نرخ رسمی تطبیق می‌دهد.

خروج ۲۰.۵ هزار میلیارد تومان پول حقیقی در چهار روز نشان می‌دهد؛

بورس در جدال سودآوری و بی‌اعتمادی

بازار سهام در حالی چهارمین روز متوالی افت خود را پشت سر گذاشت که هم‌زمان دور و توافقات در برابر سرمایه‌گذاران قرار گرفته است؛ از یک سو گزارش‌های سه‌ماهه برخی شرکت‌ها از بهبود سودآوری حکایت دارد و از سوی دیگر، تداوم خروج سنگین پول حقیقی و سایه ریسک‌های سیستماتیک، فضای معاملات را تحت تأثیر قرار داده است. شرایطی که نشان می‌دهد فعلاً اعتماد، مهم‌ترین متغیر تعیین‌کننده مسیر بورس است.

آینده، مورد توجه بازار است. براساس این گزارش، بازار سهام این روزها در نقطه‌ای قرار گرفته که تحلیل آن صرفاً با روند شاخص‌ها ممکن نیست و افت‌های اخیر و افزایش احتیاط معامله‌گران، نگاه‌ها را از تابلوی معاملات به گزارش‌های عملکرد شرکت‌ها معطوف کرده است. در واقع، مهم‌ترین پرسش فعالان بازار دیگر این نیست که شاخص کل تا کجا عقب‌نشینی می‌کند؛ بلکه این است که آیا سودآوری شرکت‌ها آن قدر قوی خواهد بود که ارزش ذاتی سهام را دوباره به سرمایه‌گذاران یادآوری کند؟

براین اساس باید گفت در بازارهای مالی، قیمت سهام در نهایت باید با واقعیت‌های اقتصادی شرکت‌ها همسو شود. اگر بنگاه‌های بورسی بتوانند در گزارش‌های سه‌ماهه خود رشد سودآوری را به نمایش بگذارند، طبیعی است که نسبت قیمت به سود (P/E) بازار کاهش پیدا کند و سهام از منظر بنیادی جذاب‌تر شود. چنین وضعیتی معمولاً توجه سرمایه‌گذاران میان‌مدت و بلندمدت را جلب می‌کند؛ زیرا خرید سهام شرکت‌هایی که سودآوری آن‌ها در حال افزایش است، با ارزش‌گذاری پایین‌تر، فرصت مناسبی برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود.

البته نباید تصور کرد که پایین بودن نسبت P/E به تنهایی تضمین‌کننده رشد بازار سهام است. تجربه بورس نشان داده است هر زمان ریسک‌های سیاسی، نااطمینانی‌های اقتصادی یا احتمال تغییر سیاست‌های پولی افزایش یافته، سرمایه‌گذاران حاضر شده‌اند حتی سهام ارزنده را نیز با تخفیف معامله کنند. به بیان دیگر، در شرایطی که اعتماد آسیب می‌بیند، تحلیل بنیادی برای مدتی به حاشیه می‌رود و مدیریت ریسک به اولویت نخست سرمایه‌گذاران تبدیل می‌شود. با این حال، اگر فضای اقتصاد کلان به سمت ثبات حرکت کند و گزارش‌های فصلی نیز انتظارات را برآورد سازند، بازار سرمایه می‌تواند از محل رشد سود شرکت‌ها، بخشی از افت‌های اخیر را جبران کند. در چنین شرایطی، اصلاح قیمت‌های بیش از آنکه نشانه آغاز یک روند نزولی بلندمدت باشد، می‌تواند فرصتی برای بازنگری در ارزش‌گذاری سهام تلقی شود؛ بنابراین، مسیر بورس در هفته‌های آینده بیش از هر زمان دیگری به تعامل دو عامل وابسته است؛ از یک سو کیفیت گزارش‌های مالی شرکت‌ها و از سوی دیگر، روند تحولات سیاسی و اقتصادی. هر کدام از این دو متغیر دست‌بالا را پیدا کنند، همان مسیر آینده بازار سرمایه را نیز مشخص خواهند کرد.

بیشتر بود. به این ترتیب، هزینه خرید سهمیه ۲۰۰ هزار دیناری از بانک‌ها به ۲۵ تا ۲۶ میلیون تومان رسید، در حالی که تهیه همین میزان ارز از بازار آزاد حدود ۲۳ میلیون تومان هزینه داشت؛ یعنی زائران اربعین حسینی در صورت تهیه ارز خود تا سقف ۲۰۰ هزار دینار از بازار آزاد، دو میلیون تومان کمتر پرداخت می‌کردند؛ البته قیمت ۲۰۰ هزار دینار در روز یکشنبه به نزدیک ۳۰ میلیون تومان هم رسید. مسئولان شعب بانک‌ها اعلام کردند که نرخ فروش براساس قیمت توافقی اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی تعیین شده است. در مقابل، بانک مرکزی اعلام کرد که امسال بانک‌ها و صرافی‌ها خود تأمین‌کننده منابع ارز اربعین بوده‌اند و در خصوص قیمت نیز با یکدیگر تفاهم کرده‌اند. این در حالی است که در سال‌های گذشته، بانک مرکزی تأمین‌کننده ارز اربعین بود. همچنین،



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

کل بورس تهران روز گذشته با افت ۸۸ هزار و ۹۵۹ واحدی (۱.۸ درصدی) و از دست دادن کانال ۵ میلیون واحد، در ارتفاع ۴ میلیون و ۹۶۶ هزار و ۶۸۸ واحد ایستاد. شاخص کل هم‌وزن نیز که تصویر دقیق‌تری از بازار ارائه می‌دهد، ۱۱ هزار و ۶۵۳ واحد (۰.۹ درصد) افت کرد و به یک میلیون و ۳۲۶ هزار و ۶۷۸ واحد رسید. شاخص فرابورس ایران نیز با ۵۵۱ واحد (۱.۴ درصد) کاهش، در محدوده ۳۸ هزار و ۵۲۲ واحد قرار گرفت. با این حال، دیروز تقاضا در بازار نسبت به روز یکشنبه دو برابر شد و در مقابل، عرضه‌ها با شیبی ملایم کاهش یافت. ارزش معاملات خرد نیز دو برابر روز یکشنبه بود و تا پایان معاملات، بیش از ۳ هزار میلیارد تومان از صف‌فروش توسط حقوقی‌ها خریداری شد؛ به‌طوری‌که بازاری که با ۲۴ هزار میلیارد تومان صف فروش آغاز شده بود، با ۱۳ هزار میلیارد تومان صف فروش به کار خود پایان داد. پس از پایان دادوستدها، تنها ۱۸۷ صف خرید در برابر ۲۳۷ صف فروش، به عنوان سرخطی‌های امروز، در سامانه معاملات باقی ماند؛ این در حالی است که روز یکشنبه، پس از پایان دادوستدها، تنها ۵۹ صف خرید در برابر بیش از ۴۲۰ صف فروش وجود داشت.

جراحی هوشمند پول در بورس

کروشه آسایش، کارشناس بازار سرمایه، با اشاره به تغییر رفتار معامله‌گران گفت: بازار سهام به دلیل انتشار گزارش‌های سه‌ماهه و گزارش‌های سال گذشته، اکنون به سمت نمادهایی حرکت می‌کند که پیش‌بینی سودآوری مطلوبی برای امسال و سال آینده دارند. تقاضا در حال حاضر هوشمندانه‌تر شده و پول به سمت صنایعی هدایت می‌شود که عملیات فروش و وضعیت مالی درخشان‌تری را برای سهامداران خود رقم می‌زنند. در واقع، مسیر نمادهای دو هفته اخیر از کلیت بازار متمایز شده است. او افزود: نوسان رفت و برگشتی که یک روز شاهد وضعیت منفی هستیم، نشان‌دهنده وزن بالای ریسک‌های سیستماتیک در تصمیم‌گیری سهامداران است. «آسایش تأکید کرد: «اگر متغیرهای بنیادی را در نظر بگیریم، روند همچنان صعودی است، اما این صعود به شکلی که توازن میان تمام نمادها برقرار باشد، نخواهد بود؛ بلکه پول به سمت نمادهایی خواهد رفت که پیش‌بینی سودآوری و عملکرد مطلوب آن‌ها طی چند ماه

بازار سهام پس از جهش‌های هفته‌های گذشته، طی چند روز اخیر در فاز نزولی قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که معاملات دیروز (دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵) با تداوم برتری فروشندگان به پایان رسید و شاخص کل بورس تهران برای چهارمین روز متوالی افت کرد. شاخص کل بورس، به عنوان نماگر بازار، طی این چهار روز حدود ۳۴۵ هزار واحد، معادل ۶.۵ درصد، ریزش داشت. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که معاملات بازار سهام در روزهای اخیر درگیر یک پارادوکس بنیادی شده است؛ از یک سو برخی گزارش‌های عملکرد سه‌ماهه شرکت‌ها نویدبخش سودآوری هستند و از سوی دیگر، سایه سنگین ریسک‌های سیستماتیک، نقدینگی را از بازار فراری داده است. این شرایط حاکی از آن است که بازار در مرحله‌ای از غربالگری سرمایه‌گذاران قرار دارد. فعالان بازار معتقدند بازار سهام در وضعیت کنونی، با وجود برخی نشانه‌های بنیادی مثبت، هنوز از دام بی‌اعتمادی و ریسک‌های بیرونی خارج نشده است. از این رو، هر چند مسیر کلی بازار می‌تواند در میان‌مدت رو به بهبود باشد، اما این بهبود یک‌دست و فراگیر نخواهد بود و فعلاً برنده اصلی، سهم‌هایی هستند که پشتوانه عملیاتی و سودآوری قوی‌تری دارند. یکی از نکات مهم این روزها، خروج پول حقیقی از بازار سهام است؛ روز چهارشنبه هفته گذشته ۶.۸ هزار میلیارد تومان و شنبه هفته جاری ۵.۲ هزار میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد. روز یکشنبه نیز بیش از ۴.۵ هزار میلیارد تومان و دیروز حدود ۴ هزار میلیارد تومان از چرخه سهام خارج شد. در مجموع، خروج پول حقیقی در چهار روز معاملاتی اخیر به حدود ۲۰ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است. این موضوع نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران خرد همچنان محتاط هستند و تمایل زیادی به پذیرش ریسک ندارند.

افزایش تقاضا در معاملات دوشنبه

معاملات روز گذشته (دوشنبه)، مانند دو روز نخست هفته جاری و چهارشنبه هفته گذشته، با فشار فروشندگان آغاز شد و همه شاخص‌های بورس و فرابورس قرمزپوش شدند. شاخص



چهار شرط پایان روند نزولی بورس

فاطمه اکبری، کارشناس بورس: معاملات نشان داد که بازار همچنان با کمبود اعتماد، خروج نقدینگی و ضعف تقاضا روبه‌رو است. برای اینکه بتوان از پایان روند نزولی صحبت کرد، باید خروج پول حقیقی متوقف شود، ارزش معاملات افزایش پیدا کند، صف‌های فروش کاهش یابد و تقاضا به نمادهای بزرگ بازگردد. تا پیش از مشاهده این نشانه‌ها، هر رشد احتمالی، بیش از آنکه آغاز یک روند صعودی جدید باشد، موقتی باشد.

نض بازار

اختلالی که همچنان ادامه دارد

نزدیک به یک ماه از آغاز اختلالات گسترده در چهار بانک ملی، صادرات، تجارت و توسعه صادرات می‌گذرد؛ بحرانی که با عنوان حمله سایبری اعلام شد. از همان روزهای نخست، خودپردازها از کار افتادند، کارت‌خوان‌ها خطا دادند، اپلیکیشن‌های بانکی ناپایدار شدند و حتی انتقال وجه میان حساب‌ها به مسئله‌ای زمان‌بر و پرابهام تبدیل شد. امروز نیز، با وجود وعده‌ها برای بازگشت کامل خدمات، همچنان این مشکلات ادامه دارد. بانک‌ها در اطلاعیه‌ای از فعال شدن بخشی از خدمات خود خبر داده‌اند؛ با این حال، مشتریان این بانک‌ها می‌گویند: انتقال وجه میان حساب‌ها با تأخیر انجام می‌شود یا اصلاً به مقصد نرسیده است؛ یعنی رفع اختلال در سطح اطلاعاتی، با رفع اختلال در سطح واقعی فاصله دارد. مشتری‌ای که برای خرید فوری نیاز به جابه‌جایی وجه داشته، پس از کسر مبلغ از حساب مبدأ، روزها در انتظار نشسته و نهایتاً با پاسخ‌هایی متناقض، از ۴۸ ساعت کاری تا ۳۰ روز کاری، روبه‌رو شده است.

سید علی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، هفته گذشته وعده حل کامل این معضل زیرساختی را داد، اما مشتریان بانک‌ها می‌گویند کندی خدمات و قطعی‌های پراکنده، به‌ویژه در درگاه‌های خدمات‌رسانی برخی از این بانک‌ها، همچنان ادامه دارد که به عنوان نمونه می‌توان به بانک تجارت اشاره کرد. همچنین استفاده از اپلیکیشن‌های بانکی نیز همچنان با مشکل مواجه است.

علیرضا قیطاسی، دبیر شورای هماهنگی بانک‌های دولتی، اعلام کرد که اختلال‌های ایجاد شده ناشی از یک حمله سایبری علیه این بانک‌ها بوده است. او افزود: «تلاش شبانه‌روزی تیم‌های فناوری بانک مرکزی، شرکت خدمات انفورماتیک و بانک‌ها ادامه دارد و انتظار می‌رود بخش‌های باقی‌مانده خدمات نیز تا پایان هفته به وضعیت عادی بازگردد.» محمد سعید طباطبایی، مدیرعامل شرکت خدمات انفورماتیک، نیز اعلام کرد که اگرچه خدمات پایه تا حدی بازیابی شده‌اند، اما سامانه هنوز با تمام ظرفیت خود فعالیت نمی‌کند.

بانک مرکزی و مدیران بانکی می‌گویند اطلاعات مشتریان آسیب ندیده و خدمات پایه به تدریج در حال بازگشت است. اما مسئله اصلی فقط «امنیت داده‌ها» نیست؛ مسئله، کارایی و اعتماد است. اگر بانک‌ها و بانک مرکزی نمی‌توانند زمان بازگشت کامل خدمات، وضعیت تراکنش‌های معوق و سازوکار جبران خسارت را روشن کنند، طبیعی است که نگرانی مشتریان از اصل اختلال، به بی‌اعتمادی مزمن تبدیل شود. بنابراین، بحران چهار بانک فقط یک حادثه سایبری نیست؛ نشانه‌ای است از شکاف میان اطلاعاتی‌ها و تجربه مردم؛ و تا زمانی که سامانه‌ها واقعاً پایدار نشوند، این شکاف همچنان باقی خواهد ماند.

اختلافات شیوخ حاشیه خلیج فارس بالا گرفت؛

عربستان شیرانتقال پول به امارات را بست

بانک‌های عربستان سعودی انتقال وجوه از این کشور به حساب‌های بانکی مستقر در امارات متحده عربی را مسدود کرده یا با تأخیرهای طولانی مواجهه ساخته‌اند؛ موضوعی که

نگرانی شرکت‌ها را برانگیخته و این گمانه را تقویت کرده است که تنش‌های دیپلماتیک میان این دو کشور، به حوزه تجارت نیز کشیده شده است.



حمید کمار

روزنامه نگار

جدایی طلب یمنی متهم کرد؛ گروهی که در ماه دسامبر علیه نیروهای همسو با عربستان در یمن عملیات نظامی انجام داد. عربستان مدعی است امارات -که پیش‌تر مهم‌ترین شریک ریاض در ائتلاف نظامی برای مقابله با حوثی‌ها بود- با حمایت از این عملیات، امنیت ملی عربستان را به خطر انداخته است. این بحران، بزرگ‌ترین شکاف میان دو همسایه خلیج فارس در چند دهه اخیر را رقم زده و اختلافات قدیمی بر سر رقابت اقتصادی و تفاوت دیدگاه‌های منطقه‌ای را تشدید کرده است. در ابتدا به نظر می‌رسید تنش‌ها میان ایران، آمریکا و اسرائیل این اختلافات را تا حدی به حاشیه برده است، زیرا کشورهای حوزه خلیج فارس پس از آنکه هدف اقدامات تلافی‌جویانه قرار گرفتند، تلاش کردند جبهه‌ای متحد نشان دهند. اما به گفته تحلیلگران، این همگرایی تنها ظاهری و موقتی بود. در اواخر آوریل، امارات با اعلام خروج از سازمان اوپک، همسایگان خود را غافلگیر کرد.

امارات که سومین تولیدکننده بزرگ اوپک بود، اعلام کرد این تصمیم در راستای چشم‌انداز اقتصادی و تحول در ساختار انرژی اتخاذ شده است. با این حال، ابوظبی مدت‌ها از سهمیه‌های تولید اوپک ناراضی بود و بسیاری این اقدام ارضیه‌ای به جایگاه عربستان، به عنوان رهبر عملی این سازمان، تلقی کردند.

تکذیب رسمی با وجود شواهد میدانی

مقام‌های سعودی پیش‌تر تأکید کرده بودند که اختلافات سیاسی با امارات تأثیری بر روابط اقتصادی نخواهد داشت. در مقابل، یکی از مقام‌های اماراتی گفت که وزارت اقتصاد این کشور تاکنون هیچ شکایت رسمی از شرکت‌های بخش خصوصی درباره مشکلات انتقال پول دریافت نکرده است. با این حال، یک تاجر اماراتی گفت پس از آنکه انتقال پول از عربستان به حساب شرکتش بارها بدون توضیح متوقف شد، ناچار شده است مبالغ را از طریق بحرین جابه‌جا کند. همچنین یک شرکت خدماتی دیگر در دبی اعلام کرد که ماه گذشته پرداخت بانکی یکی از مشتریان سعودی‌اش لغو شد و آن‌ها ناچار شدند از «پی‌پال» استفاده کنند؛ روشی که هزینه بیشتری برایشان به همراه داشت. این فرد گفت: نه بانک ما و نه طرف سعودی توضیحی دریافت نکردند؛ در سامانه فقط عبارت تراکنش ناموفق بود. درج شده بود. به گفته یکی از مدیران ارشد بانکی، یک شرکت چندملیتی نیز هنگام انتقال پول از عربستان به شرکتی دیگر در امارات با مشکل

مشابهی روبه‌رو شده است: برخی انتقال‌ها بدون دلیل مشخصی متوقف شدند؛ حتی در مورد مبالغ بسیار جزئی که اصلاً رقمی محسوب نمی‌شدند.

وال استریت در دوراهی؛ عربستان یا امارات؟

خبرگزاری رویترز نیز گزارش داد که شرکت‌های مالی وال استریت خود را برای عمیق‌تر شدن شکاف میان ریاض و ابوظبی آماده می‌کنند؛ چرا که نگرانند با افزایش تنش‌ها، ناچار شوند میان دسترسی به بازار، صدور ویزا و سرمایه‌های عظیم این دو کشور، یکی را انتخاب کنند. بلومبرگ پس از گفت‌وگو با پیش از دوازده بانکدار وال استریت و مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری خصوصی گزارش داد که شرکت‌هایی نظیر «گلدمن ساکس»، «مورگان استنلی»، «بلک‌راک»، «بروفیلد» و «کی‌کی‌آر» (KKR) در حال تدوین برنامه‌های اضطراری برای شرایط احتمالی تشدید روابط هستند.

صندوق‌های ثروت ملی عربستان و امارات در مجموع بیش از سه تریلیون دلار سرمایه را در اختیار این مؤسسات قرار داده‌اند. اگرچه مدیران ارشد انتظار رویارویی مستقیم نظامی ندارند، اما نگران‌اند که فشار برای انتخاب میان سرمایه‌های ریاض و ابوظبی افزایش یابد. بلومبرگ به نقل از یکی از مدیران یک شرکت بین‌المللی مدیریت دارایی نوشت: شرکت‌های سعودی به ما گفته‌اند که از این پس فقط می‌توانند در صندوق‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که تمرکزشان بر عربستان باشد و بهتر است از سرمایه‌گذاری در طرح‌های مرتبط با امارات پرهیز شود.

پیامدها برای متحدان غربی

یک شرکت حقوقی بین‌المللی نیز اعلام کرده که مأوریت‌های کاری خود در کشورهای حوزه خلیج فارس را با وسواس بیشتری انتخاب می‌کند تا هیچ‌یک از دو طرف احساس نکنند به نفع رقیب عمل شده است. حتی گفته می‌شود برخی مؤسسات مالی در صورت تشدید اختلافات، گزینه استفاده از لابی‌گری در دولت آمریکا را برای کاهش پیامدها بررسی کرده‌اند. بسیاری از کارکنان مؤسسات بزرگ وال استریت در دبی زندگی می‌کنند و برای انجام امور کاری به ریاض رفت‌وآمد دارند. دولت عربستان که از این الگوی رفت‌وآمد آگاه است، طی سال‌های اخیر تلاش کرده شرکت‌های چندملیتی را وادار کند حضور عملیاتی خود را به‌طور کامل در داخل عربستان متمرکز کنند.

رویداد

سهمیه سوخت در مسیر مهاجرت به کارت بانکی

بر اساس مصوبه جدید هیئت وزیران و در راستای اجرای قانون بودجه سال ۱۴۰۵، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت نفت، بانک مرکزی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف شدند زیرساخت‌های لازم برای انتقال سهمیه سوخت از کارت هوشمند سوخت به کارت بانکی را ایجاد و عملیاتی کنند. این مصوبه در تاریخ ۷ تیرماه و به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب رسیده است. طرح اتصال کارت سوخت به کارت بانکی، نخستین بار حدود چهار سال پیش با هدف کاهش هزینه‌های صدور کارت‌های مجزا و توزیع عادلانه‌تر بارانه سوخت مطرح شد. طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، وزارت نفت مکلف شده بود با همکاری بانک مرکزی، ظرف چهار ماه از ابتدای سال (تا تیرماه ۱۴۰۴) امکان انتقال سهمیه سوخت به کارت بانکی را فراهم کند و آیین‌نامه اجرایی آن نیز تا پایان اردیبهشت‌ماه به تصویب برسد. با وجود این الزام قانونی، مسئولان همواره بر این نکته تأکید داشتند که اجرای طرح، وابسته به آماده‌سازی زیرساخت‌ها و رفع ملاحظات امنیتی است. در همین راستا، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی اوایل تابستان امسال اعلام کرد که در صورت تصویب آیین‌نامه اجرایی توسط هیئت وزیران، آمادگی اجرای این طرح را دارد. از سوی دیگر، وزارت نفت نیز اعلام کرد که با اصلاح زیرساخت‌ها، این طرح تا پایان شهریورماه به بهره‌برداری خواهد رسید. محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، اواخر خردادماه از آماده‌سازی زیرساخت‌های اجرای کارت بانکی خبر داد و عملیاتی شدن آن را منوط به همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی دانست. گفتنی است که مرحله آزمایشی اتصال کارت‌های سوخت به کارت‌های بانکی در حال انجام است و سوخت‌گیری با کارت بانکی به صورت محدود و ایزوله صورت می‌گیرد؛ با این حال، زمان اجرای کامل این طرح همچنان نامشخص است.

۹۸۹ میلیون دلار نفت ایران در راه چین

شرکت ردیابی کشتی ویند وارد نوشت: ۹ فروند نفتکش ایرانی که مشمول تحریم‌های آمریکا هستند در آب‌های مالزی سامانه موقعیت یاب خود را غیرفعال کردند. این شناورها، بر اساس گزارش شرکت ورتکسا، محموله نفت خام ایران را به ارزش ۹۸۹ میلیون دلار به چین حمل می‌کنند. به نظری رسد این محموله در زمان لغو تحریم‌های آمریکا صورت گرفته باشد و حالا با برگشت تحریم‌های غیرقانونی احتمالاً همان شیوه‌های گذشته برای فروش نفت در دستور کار قرار گرفته باشد.

آغاز رسمی خاموشی‌ها

مدیرکل دفتر مدیریت انرژی و برنامه‌ریزی امور مشتریان توانیر از آغاز خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده در کشور خبر داد و گفت: اعمال خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده آغاز شده است و ادامه آن به دو عامل دما و نحوه مصرف بازمی‌گردد. عبدالامیر یاقوتی افزود: اگر در حد ۵ درصد کاهش مصرف داشته باشیم، خاموشی‌ها ادامه دار نخواهد شد؛ یا اگر تعدیل دمایی به وجود آید، این موضوع را تعدیل می‌کنند. او با بیان اینکه اکنون نیروگاه‌ها با حداکثر ظرفیت در مدار بهره‌برداری هستند، گفت: برنامه زمان‌بندی قطع برق شبکه را داریم و برنامه‌های خاموشی در روز قبل به مشترکان اعلام می‌شود. او ادامه داد: قطعی‌های برق تا چهارشنبه به مشترکان اعلام شده است. مهدی مسائلی، دبیر سندیکای صنعت برق کشور، نیز اظهار کرد: در حال حاضر میزان پیک مصرف برق کشور به حدود ۷۱ هزار مگاوات رسیده است، در حالی که میزان تولید به حدود ۶۳ هزار مگاوات است و این امر نشان‌دهنده کسری لحظه‌ای ۸ هزار مگاوات در شبکه برق کشور است. او افزود: ۴ هزار و ۳۰۰ مگاوات از ظرفیت نیروگاهی کشور در دوران جنگ دچار آسیب شده و در طول چند روز اخیر نیز حدود ۲ هزار مگاوات دیگر از نیروگاه‌های کشور بر اثر حوادث از مدار خارج شده‌اند که این مجموع حوادث، شدت ناترازی را افزایش داده است.

بین الملل

اقدام خصمانه روباه پیر علیه سپاه پاسداران

شعبانه محمود وزیر کشور انگلیس روز دوشنبه با ارائه بیانیه‌ای مکتوب به پارلمان مدعی شد که دولت این کشور فعالیت‌هایی را مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شناسایی کرده که به ادعای او شامل تهدید جانی و ارباب در خاک انگلیس بوده است. براساس اعلام دولت انگلیس، این تصمیم با استفاده از اختیارات تازه‌ای اتخاذ شده که لندن آن را مشابه سازوکار ممنوعیت گروه‌ها در قانون تروریسم سال ۲۰۰۰ معرفی می‌کند. به موجب این سازوکار، دعوت به حمایت از نهادهای ممنوعه، ابراز نظر یا باور حمایتی از آن‌ها، کمک به فعالیت‌های مرتبط با انگلیس یا دریافت منفعت مادی از جانب آن‌ها جرم تلقی می‌شود و متهمان ممکن است با مجازات تا ۱۴ سال زندان یا جریمه مالی روبه‌رو شوند. دولت انگلیس همزمان اعلام کرد که گروه موسوم به «جنبش اسلامی اصحاب الیمین» را نیز با ادعای ارتباط با ایران و در پی حوادثی علیه جامعه یهودیان در انگلیس مشمول این فهرست کرده است. لندن همچنین یک گروه وابسته به سازمان اطلاعات نظامی روسیه را در همین چارچوب قرار داده است. وزارت امور خارجه نیز در بیانیه‌ای، تصمیم دولت‌های عضو اتحادیه اروپا را خلاف اصول بنیادین منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل دانست.



پس از حمله هوایی به فرودگاه صنعا و هشدار انصارالله

عربستان در باتلاق یمن

باز کردن دوباره آسمان یمن به روی جنگنده‌های سعودی، بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، می‌تواند نشانه بازگشت به یک خطای راهبردی باشد؛ خطایی که تجربه سال‌های گذشته نشان داد نه اراده ملت یمن را در هم شکست و نه امنیت را برای عربستان به ارمغان آورد. هر تصمیمی که با تصور اتکا به حمایت واشنگتن گرفته شود، ممکن است بار دیگر ریاض را در همان باتلاقی گرفتار کند که خروج از آن سال‌ها زمان برد.

یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که عربستان باید به آن توجه کند، تجربه رویارویی مستقیم آمریکا با نیروهای یمنی در دریای سرخ است. عملیات گسترده نظامی و استقرار ناوگان آمریکایی در منطقه، اگرچه با هدف مهار حملات یمن انجام شد، اما در نهایت نتوانست کاری از پیش ببرد و پس از ماه‌ها درگیری، واشنگتن ناچار شد دامنه حضور و عملیات خود را کاهش دهد.

از این منظر، پرسش مهم برای ریاض آن است که آیا بازگشت به گزینه نظامی، امنیت بیشتری برای عربستان به همراه خواهد داشت یا برعکس، سطح تهدیدها علیه این کشور را افزایش خواهد داد. امنیت هر کشوری، پیش از آنکه محصول سامانه‌های دفاعی پیشرفته یا حمایت قدرت‌های خارجی باشد، نتیجه مستقیم نوع سیاست‌گذاری و رفتار آن کشور در محیط پیرامونی است. هیچ سامانه دفاعی نمی‌تواند جایگزین یک راهبرد منطقه‌ای مبتنی بر کاهش تنش، گفت‌وگو و مدیریت اختلافات شود.

لذا امنیت و ایمنی واقعی عربستان سعودی نه توسط چند سامانه دفاعی آمریکایی، بلکه توسط رفتار و اقدامات خودش تعیین می‌شود. اگر ریاض به جای پیروی از زیاده‌خواهی‌های واشنگتن، به هماهنگی با سیاست‌های منطقه‌ای و همسایگی روی بیاورد، می‌تواند از آسیب‌های گسترده و بی‌نتیجه‌رهایایی یابد. اما ادامه این سیاست‌های خصمانه، تنها به تضعیف بیشتر موقعیت سعودی در منطقه و افزایش انزوای آن منجر خواهد شد. مردم یمن که بیش از یک دهه در برابر تجاوز سعودی-آمریکایی ایستادگی کرده‌اند، امروز قوی‌تر و مصمم‌تر از همیشه هستند. شکست محاصره با فرود هوایی ایرانی در صنعا، نماد روشنی از این واقعیت است.

و آن را در راستای خواست آمریکا برای ادامه محاصره بیش از ۱۰ ساله دانست. این دفتر تأکید کرد که منطق زورگویی، تکبر و غرور سعودی و حامی آمریکایی آن محکوم به شکست است و مردم یمن حق کامل دارند تا به این تجاوز پاسخ دهند. حزام الاسد، از اعضای انصارالله نوشت: «رژیم سعودی متوجه خواهد شد که گور خود را با دستان خودش کنده است». هوپیمای ایرانی به سلامت فرود آمد و محاصره با اراده مردم شکسته شد.

فارغ از اینکه در روزهای آینده چه تحولاتی در میدان رخ خواهد داد، تجربه بیش از یک دهه درگیری در یمن نشان داده است که راهکار نظامی، دست‌کم تاکنون، نتوانسته اهداف راهبردی مورد نظر بازیگران خارجی را محقق کند. جنگی که در سال ۲۰۱۵ با تصور پایان سریع آن آغاز شد، به یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌ها برای منطقه تبدیل شد. بحرانی که نه تنها امنیت یمن، بلکه امنیت کل شبه جزیره عربستان را نیز تحت تأثیر قرار داد.

واقعیت این است که یمن امروز، یمن سال‌های نخست جنگ نیست. توانمندی‌های نظامی این کشور، به‌ویژه در حوزه پهبادی و موشکی، طی سال‌های اخیر دستخوش تحول شده و هرگونه محاسبه درباره آینده درگیری باید با در نظر گرفتن این واقعیت انجام شود. از همین رو هرگونه بازگشت به سیاست فشار نظامی، بیش از آنکه به تغییر معادلات منجر شود، احتمالاً چرخه تازه‌ای از اقدامات و واکنش‌های متقابل را رقم خواهد زد که به ضرر آنها تمام خواهد شد.



محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

تکرار یک تجربه

فارغ از اینکه در روزهای آینده چه تحولاتی در میدان رخ خواهد داد، تجربه بیش از یک دهه درگیری در یمن نشان داده است که راهکار نظامی، تاکنون نتوانسته اهداف راهبردی مورد نظر عربستان را محقق کند.

یادداشت

لبنان در تله توافق آمریکایی - صهیونیستی

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

جنوب لبنان این روزها نه در وضعیت آتش‌بس قرار دارد و نه در وضعیت پسا جنگ؛ بلکه در میانه یک پروژه اشغال تدریجی و تغییر موازنه میدانی قرار گرفته است. آنچه آمریکا از آن با عنوان توافق چارچوب یا آتش‌بس یاد می‌کند، در عمل نتوانسته نه گلوله‌ها را متوقف کند، نه اشغال را پایان دهد و نه امنیت را به مردم لبنان بازگرداند. آمارهای رسمی وزارت بهداشت لبنان خود گویاترین سند این واقعیت است. از دوم مارس ۲۰۲۶ تاکنون بیش از ۴۳۲۲ نفر به شهادت رسیده و بیش از ۱۲ هزار نفر مجروح شده‌اند و بیش از یک میلیون لبنانی طعم آوارگی را چشیده‌اند. آیا این تصویر، شباهتی به یک آتش‌بس دارد؟

رژیم صهیونیستی دیگر حتی تلاشی برای پنهان کردن اهداف خود نمی‌کند. اظهارات اسرائیل کاتس، وزیر جنگ این رژیم، پرده از راهبرد واقعی تل‌آویو برداشت. راهبردی که براساس آن، جنوب لبنان باید به «غزه دوم» تبدیل شود. او با صراحت از تخریب ده‌ها روستا، نابودی ۱۵ تا ۲۰ هزار خانه، ویرانی ۹۰ درصد ساختمان‌های مناطق مرزی و ایجاد یک منطقه حائل خالی از سکنه سخن گفت. حتی فراتر از آن، کاتس اعلام کرد که ارتش رژیم صهیونیستی اکنون حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع از جنوب لبنان را تحت کنترل دارد و سیاست این رژیم نه عملیات موقت، بلکه اشغال و استقرار دائمی است. این اعترافات، ماهیت واقعی طرح آمریکایی-اسرائیلی را آشکار می‌کند؛ طرحی که نام آن را توافق گذاشته‌اند اما مضمونش تثبیت اشغال است. در سوی دیگر، واقعیت میدانی لبنان نیز نشان می‌دهد که حتی بازگشت بخشی از آوارگان به معنای پایان بحران نیست. نزدیک به ۶۵۰ هزار نفر به شهرها و روستاهای خود بازگشته‌اند، اما هنوز حدود نیم میلیون نفر آواره‌اند که عمده آنان از استان‌های جنوبی، به‌ویژه النبطیه، صور و بنت جبیل هستند. حتی کسانی که بازگشته‌اند نیز با سرزمینی ویران روبه‌رو شده‌اند. بازگشت به خانه، وقتی خانه‌ای باقی نمانده باشد، صرفاً جابه‌جایی جغرافیایی است، نه بازگشت به زندگی.

همین واقعیت‌ها سبب شده است که توافق چارچوب با مخالفت جدی جریان‌های اصلی لبنان روبه‌رو شود. نبیه بری و حزب الله اجرای مفاد این توافق را نپذیرفته‌اند و گزارش‌ها حاکی از آن است که این توافق حتی از پشتوانه سیاسی لازم در داخل لبنان نیز برخوردار نیست. در مقابل، مذاکرات مستقیم برخی مقامات لبنانی با رژیم صهیونیستی در واشنگتن، همزمان با ادامه بمباران جنوب، بیانگر تلاش آمریکا برای تحمیل واقعیت‌های میدانی از مسیر مذاکره است.

تجربه غزه نشان داده است که محکومیت‌های حقوق بشری، بدون اراده سیاسی برای مهار رژیم صهیونیستی، تأثیر عملی چندانی نخواهد داشت و تلاش برای عادی‌سازی وضعیت لبنان با القای پایان بحران، بیش از هر چیز به سود طراحان این پروژه خواهد بود.

یادداشت

آمریکا هنوز تلخی شکست را درک نکرده است

امیر شهشانی
روزنامه‌نگار

شدت گرفتن نبرد میان ایران و آمریکا در منطقه تنگه هرمز، نوار ساحلی جنوب ایران و همچنین پایگاه‌های آمریکایی مستقر در منطقه حاشیه خلیج فارس و کشورهایی همچون اردن، نشانگر این واقعیت است که دیگر کمتر صاحب‌نظر و تحلیل‌گر منصفی پیدا می‌شود که به تداوم تفاهم‌نامه‌ای که تنها کارکرد آن در نزدیک به ۳۰ روز حیاتش، پر شدن دوباره ذخایر استراتژیک نفت برای آمریکا و غرب، خنثی شدن بحران نفتی به عنوان پاشنه آشیل آمریکا و فراهم آوردن زمانی برای تدارک و بازسازی نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی جهت حمله مجدد بود، امید داشته باشد.

در روز اخیر و در شامگاه یکشنبه و بامداد دوشنبه ۲۲ تیر، ارتش تروریستی آمریکا به مناطقی در جنوب و حتی مرکز ایران حمله کرد. طبق آخرین اخبار، آمریکا نقاط مختلفی در استان‌های هرمزگان، بوشهر، خوزستان، مرکزی، سیستان و بلوچستان و اصفهان را هدف حملات خود قرار داد.

در واکنش به این تجاوزات ددمنشانه، سپاه و ارتش نیز حملات گسترده موشکی و پهپادی را بر علیه پایگاه‌های منطقه‌ای آمریکا انجام دادند. تصاویری از شلیک موشک‌های قدر، عماد، خیبرشکن و ذوالفقار در پاسخ به تجاوز ارتش تروریستی و کودک‌کش آمریکا منتشر شده است.

براساس اطلاعاتی‌های روابط عمومی سپاه، در پاسخ به حملات بامدادی آمریکا به جنوب کشور، پایگاه‌ها و منافع آمریکا در کشورهای اردن، بحرین، کویت و عمان هدف قرار گرفتند: در اردن مخازن سوخت و زاغه‌های مهمات پایگاه هوایی شاهزاده حسن؛ در بحرین مراکز تعمیر و نگهداری، آشیانه هواپیماها و مرکز فرماندهی پایگاه هوایی شیخ عیسی؛ در کویت مخازن سوخت و سامانه پدافندی پاتریوت در پایگاه علی سالم، سایت راداری پایگاه احمد الجابر، پایگاه موشک‌های زمین به زمین و دو سکوی هیمارس؛ و در عمان یک سایت راداری مورد حملات رعدآسا نیروهای مسلح ایران قرار گرفتند.

در این شرایط ترامپ با لفاظی‌های وحشیانه به مجدداً همراه با ادبیات توهین آمیز نسبت به رهبر انقلاب و ملت ایران بود، اعلام کرد: «ما همه چیز را از ایران می‌گیریم؛ نفت، طلا، زمین، غذا، همه چیز متعلق به آمریکاست. ما به ایران حمله شدیدی می‌کنیم، تنگه هرمز را تصرف می‌کنیم و برای حفاظت از آن پول دریافت خواهیم کرد. شب گذشته ضربه بسیار سنگینی وارد کردیم.

رهبران ایران مذاکره‌کنندگان حرفه‌ای هستند ولی ایران از من چیزی دریافت نکرد.» عدم پاسخ قاطع و محکم به این حجم از توهین و خوی و وحشی‌گری ترامپ از سوی مقامات مسئول به‌ویژه محمدباقر قالیباف و مسعود پزشکیان، ناراحتی و نارضایتی شدیدی را در میان ملت قهرمان ایران که با تمام وجود از نظام جمهوری اسلامی دفاع کردند، برانگیخته است. این سکوت، تنها دشمن را جسورتر می‌کند و ملت انتظار پاسخی در شأن خون رهبر شهید، شهدا و عزت ایران اسلامی را دارد.

رفتار آمریکا؛
الگوی نقض
سیستماتیک و
پاسخ ایران

تفاهم اسلام‌آباد
سندی ضعیف با
تعهدات متقابل
و پیش‌شرط‌های
اجرایی بود که نقض
آن توسط آمریکا،
الگوی تاریخی
«تعهد صوری و
عمل خلاف» را تکرار
کرد. عدم احترام به
ترتیبات ایرانی در
تنگه هرمز، معرفی
کریدور عمانی، عدم
آزادسازی دارایی‌ها،
عدم سرمایه‌گذاری
۳۰۰ میلیارد دلاری
و ادامه عملیات در
جنوب ایران و لبنان
که به شهادت ده‌ها
نفر از زمان امضای
تفاهم منتج شده
است، نشان‌دهنده
فقدان حسن نیت
استراتژیک است.
این رویکرد از منظر
نظریه بازی‌ها، «بازی
با حاصل جمع صفر»
را دنبال می‌کند
که در بلندمدت به
ضرر ثبات منطقه و
ایران تمام می‌شود.
اکنون باید رئیس
شورای عالی امنیت
ملی که مسئولیت
این تفاهم ضعیف
را برعهده گرفته بود
پاسخگو باشد.

تحمل نکردند و از همان ابتدا به دیه‌کاری پرداختند و توافق را مثله کرده‌اند. ساعاتی پس از این اظهارات ترامپ با اعلام بازگشت محاصره دریایی، روند نابودی تفاهم را تکمیل کرد. به این ترتیب روز گذشته تمام بندهای این تفاهم توسط آمریکا نقض شد.



خسارات ناشی از جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی جبران نشده و این تعهد مهم کاملاً نادیده گرفته شده است. این عدم اجرا، نه تنها جنبه اقتصادی دارد بلکه از منظر سیاسی، اعتبار هرگونه توافق آینده با آمریکا را زیر سؤال می‌برد.

وقت پاسخگویی مسئولان

نقض‌های پی در پی و بی‌فایده‌گی محض تفاهم اکنون پس از یک ماه در شرایطی برای همگان مشخص شده است که قالیباف ۲۷ خرداد در گفت‌وگویی تاکید کرد: «هرآنچه را که با اقدام نظامی می‌خواستیم به دست بیاوریم، چندین برابر آن را از طریق مذاکره گرفتیم؛ اصلاً قابل قیاس نبود.»

مقامات ارشد از جمله قالیباف و پزشک‌های علی‌رغم تمام انتقادات و هشدارهای دلسوزان از جمله رهبری معظم انقلاب با قبول مسئولیت و تبعات تفاهم بی‌فایده برای کشور با حسن نیت وارد این فرآیند شدند اما نقض‌ها توسط آمریکا، دیگر راه را بر مذاکرات بسته و ایران را ملزم به دفاع قاطع از منافع ملی کرده است.

تحولات یک ماه اخیر به ویژه اقدامات امروز ترامپ، ثابت می‌کند که تفاهم اسلام‌آباد از سوی آمریکا به‌طور سیستماتیک برای خنثی‌سازی بحران‌های آمریکا از جمله بحران نفت طراح‌ی و اکنون پس از تأمین اهداف آمریکا توسط خود آمریکا مثله شده است. از محاصره دریایی گرفته تا ادامه جنگ در جنوب‌ها، از عدم آزادسازی دارایی‌ها تا نبود سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیاردی، همه و همه نشان‌دهنده ماهیت غیرقابل اعتماد هیئت حاکمه آمریکاست. ملت ایران اما با تکیه بر مقاومت و خوداتکایی، این توطئه جدید را نیز خنثی خواهد کرد و واشنگتن را وادار به پرداخت هزینه پیمان‌شکنی خواهد نمود. آینده منطقه نشان خواهد داد که ایستادگی در برابر سلطه، تنها مسیر دستیابی به صلح عادلانه و پایدار است.

ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در توییت خود صراحتاً اعلام کرد که روند بازگشت به محاصره دریایی آغاز می‌شود. این دستور مستقیم، نقض صریح و بی‌پروای تعهد به لغو محاصره است و نشان می‌دهد واشنگتن هرگز قصد اجرای واقعی توافق را نداشته است.

بند پنجم که به تعهدات ایران در تأمین عبور ایمن در تنگه هرمز و ترتیبات ایرانی مربوط می‌شود، یکی از بارزترین نقاط نقض است. آمریکایی‌ها نه تنها به مسیر و ترتیبات ایرانی احترام نگذاشتند، بلکه با طرح کریدور عمانی تلاش کردند کنترل مشروع ایران بر این آبراه حیاتی را دور بزنند. توییت روز گذشته ترامپ که آمریکا را «نگهبان تنگه هرمز» معرفی کرده و حتی از دریافت ۲۰ درصد هزینه حمل‌ونقل سخن گفته، کاملاً خلاف روح و حرف توافق است که عبور را بدون هیچ عوارض و هزینه‌ای الزامی می‌کرد. این رفتارها از روزهای اولیه آغاز شد و اکنون با گذشت کمتر از یک ماه از امضای تفاهم به نقطه اوج خود رسیده است.

در حوزه اقتصادی، نقض بندهای مرتبط با تحریم‌ها (از جمله بند ۱۰) آشکارتر است. مجوز فروش نفت و محصولات پتروشیمی ایران لغو گردید و تحریم‌ها با شدت بازگشته‌اند. این اقدام فاحش، دسترسی ایران به درآمدهای مشروع را مسدود کرده و خلاف تعهد به تعلیق تحریم‌ها است. علاوه بر این، دارایی‌های مسدود شده جمهوری اسلامی ایران همچنان آزاد نشده‌اند. علی‌رغم تعهد صریح تفاهم، هیچ‌گام عملی در این زمینه برداشته نشده و این موضوع به عنوان اهرم فشار ننگه داشته شده است. این نقض، نشان‌دهنده سوءنیت واشنگتن است. یکی از مهم‌ترین تعهدات آمریکا، ایجاد برنامه جامع بازسازی و توسعه اقتصادی با تأمین مالی حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار بود. اما تا امروز هیچ سرمایه‌گذاری واقعی، برنامه‌ریزی اجرایی یا اقدامی در این زمینه انجام نشده است.

سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به اقدامات اخیر آمریکا در جنایت علیه مردم ایران و حملات مکرر به کشورمان علی‌رغم تفاهم اسلام‌آباد تأکید کرد که تفاهم وارد بحران شده است. اسماعیل بقائی گفت: آمریکایی‌ها حتی بازه یک ماهه بند ۵ را

محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران روز گذشته با اشاره به اقدامات مستمر ایالات متحده آمریکا، صراحتاً اعلام داشت که تفاهم اسلام‌آباد وارد مرحله بحران شده است. سخنگوی تیم مذاکره‌کننده ایران تاکید کرد: «آمریکایی‌ها عملاً اجزای مختلف یادداشت تفاهم ۱۴ بندی را مثله کردند. طرف آمریکایی با بهانه‌های واهی و ساختگی، بندهای مختلف توافق را یکی پس از دیگری نقض کرده است. در ادامه مسیر نیز، مادامی که آمریکا تعهدات خود را اجرا نکند، ایران از اجرای تعهدات خود خودداری خواهد ورزید. این اصل اساسی عمل متقابل است که ریشه در منطق دیپلماتیک عقلانی دارد.» مروری بر بندهای این تفاهم نشان می‌دهد همه بندهای تفاهم امضا شده به دست دکتر پزشکیان توسط ترامپ لگدمال شده است.

مروری بر چک‌بی محل تفاهم

در بند اول تفاهم که بر پایان فوری و دائمی عملیات نظامی در همه جبهه‌ها از جمله لبنان تأکید دارد، آمریکا به طور کامل نقض عهد کرده است. جنگ و درگیری‌ها در جنوب لبنان متوقف نشده و رژیم صهیونیستی با پشتیبانی مستقیم یا غیرمستقیم واشنگتن به حملات خود ادامه داده است. همزمان، حملات نظامی آمریکا به اهداف در جنوب ایران، نقض آشکار این بند و بند دوم (احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی) به‌شمار می‌رود. این اقدامات نه تنها تمامیت ارضی دو کشور را تهدید کرده، بلکه اصل عدم مداخله در امور داخلی را نیز زیر پا گذاشته است.

در بند چهارم مربوط به رفع محاصره دریایی و برداشتن موانع ظرف مدت ۳۰ روز، آمریکا حتی به حداقل تعهدات خود عمل نکرده است. روز دوشنبه دونالد

وقتی فوتبال بهانه نیست؛ موضوع است

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

اگر بخواهیم تا اینجاى کار یک برنامه را به عنوان موفق‌ترین و حرفه‌ای‌ترین محصول فوتبالی تلويزيون در حال وهواى جام جهانى معرفى كنيم، بدون تردید «بيست، بيست و شش» در صدر فهرست قرار مى‌گيرد. برنامه‌ای که برخلاف بسيارى از توليدات ماه اخير، برای جلب توجه مخاطب به حاشیه پناه نبرده و تلاش نکرده با جنجال‌های مصنوعی، دعوای‌های ساختگی یا نمایش‌های اغراق‌آمیز، خود را به صدر گفت‌وگوها برساند.

بخشی از برنامه‌های ورزشی مرتبط با جام جهانی گرفتار این تصور اشتباه شده‌اند که هرچه صدای مجری بلندتر باشد، هرچه تنش میان هممانان بیشترشود و هرچه فضای برنامه ملتهب‌تر جلوه کند، مخاطب بیشتری جذب خواهد شد. از سوی دیگر، برخی رسانه‌ها نیز برای دیده شدن، به لگدپرانی‌های شبه‌سیاسی زرد و موضع‌گیری‌هایی روی آورده‌اند که نه نسبتی با ورزش دارد و نه کمکی به آگاهی مخاطب می‌کند؛ فقط الگوریتم‌ها را راضی می‌کند و چند ساعت بیشتر در فضای مجازی دیده می‌شود.

در چنین فضایی، «بیست، بیست و شش» مسیر دیگری را انتخاب کرده است؛ مسیری که شاید پر سرو صدا نباشد، اما حرفه‌ای، محترمانه و ماندگار است. این برنامه فوتبال را به متن بازگردانده است. تحلیل فنی، گفت‌وگوی آرام، احترام به مهمان و پرهیز از خودنمایی مجری، مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که آن را از بسیاری از برنامه‌های مشابه متمایز می‌کند. یکی از نقاط قوت برنامه، درک درست سازندگان از جایگاه مجری است. رسول مجیدی و حمید محمدی نیامده‌اند تا خودشان ستاره برنامه باشند؛ آمده‌اند تا به فوتبال و مهمانان فرصت دیده شدن بدهند. آن‌ها می‌پرسند، گوش می‌کنند و اجازه می‌دهند روایت شکل بگیرد؛ رفتاری که این روزها در تلویزیون کمیاب شده است.

موفقیت یک برنامه فوتبالی را نباید با تعداد کلیپ‌های جنجالی یا میزان وایرال شدن دعوایش سنجید. معیار اصلی، کیفیت محتوا و اعتمادی است که نزد مخاطب ایجاد می‌کند. «بیست، بیست و شش» تا امروز نشان داده که می‌توان بدون هیاهوی تصنعی هم مخاطب داشت و حتی اثرگذار تر بود.

شاید همین ویژگی باعث شده است که این برنامه، با فاصله، بهترین برنامه فوتبالی تلویزیون در ماه‌های اخیر باشد؛ برنامه‌ای که ثابت کرد هنوز هم می‌توان برای فوتبال برنامه ساخت، نه برای دیده شدن مجری و نه برای تولید حاشیه.

نخستین دوره جایزه جهانی شعر «امام شهید» با چاپ ۱۱ جلد کتاب به کار خود پایان داد

سیل اشعار شاعران جهان در سوگ امام شهید

انباری برای دیپلماسی فرهنگی و تثبیت گفت‌مان مقاومت، بیداری و تمدن نوین اسلامی طراحی شده است. متولیان این رویداد با بهره‌گیری از زبان شعر، کوشیده‌اند فراتر از مرزهای جغرافیایی، ارزش‌های مقاومت و انقلاب اسلامی را به مخاطبان جهانی منتقل کنند.



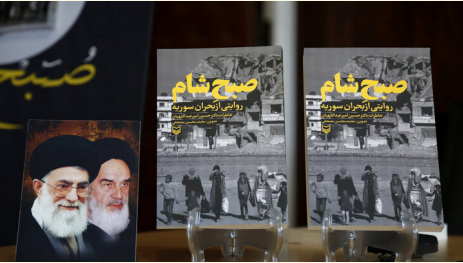
علی نقدی

روزنامه‌نگار

با عبور از قالب‌های سنتی سوگ‌نامه‌سرایی، این جایزه تلاش دارد میراثی فکری و ماندگار بر جای بگذارد. این حرکت فرهنگی، با تمرکز بر تبیین شخصیت و اندیشه‌های رهبر شهید، قصد دارد شعر را به عنوان رسانه‌ای اثرگذار در فضای بین‌المللی بازتعریف کرده و بستر تازه‌ای برای تعامل میان شاعران متعهد فراهم آورد. طبق گزارش‌های رسمی جایزه شعر امام شهید، دبیرخانه جشنواره در مجموع موفق به دریافت ۳۰۶۹ قطعه ادبی شده که حجم بالای این مشارکت نشان‌دهنده گسترهی فراخوان در سطوح داخلی و خارجی است. در بخش ایران، ۲۲۴۵ سروده از ۸۰۰ شاعر به دبیرخانه ارسال شده که از میان آن‌ها، ۴۵۰ شعر برگزیده در قالب چهار مجلد جداگانه تدوین و منتشر گردید. همچنین بخش ویژه کودک و نوجوان با دریافت بیش از ۲۵۰ اثر، خروجی مستقل خود را در یک جلد با چاپ ۱۰۰ اثر برگزیده دارد.

بخش بین‌الملل این مجموعه، تنوع زبانی و جغرافیایی قابل توجهی را به نمایش می‌گذارد. بیش از ۳۰۰ سروده از شاعران افغانستانی، ۱۲۴ شعر عربی از ۹ کشور شامل عراق، لبنان، یمن، سوریه، فلسطین، تونس، نیجریه، ساحل عاج و ایران، و ۱۲۰ اثر به زبان اردو از پاکستان، هند و بنگلادش گردآوری شده است. افزون بر این، ۳۰ شعر از ۲۲ شاعر در ۱۵ کشور دیگر به زبان‌هایی نظیر انگلیسی، اسپانیایی، چینی، فرانسوی، اندونزیایی، مالزیایی، لهستانی، آلبانیایی و هندی ثبت شده است.

مقاومت و ابعاد سیاسی و امنیتی این بحران تدوین شده است، تلاش‌های دیپلماتیک ایران در سال‌های نبرد با تروریسم را بازگو می‌کند. این کتاب خاطره‌محور در سه بخش اصلی و کاملاً منسجم تنظیم شده است. بخش نخست به ریشه‌های بحران سوریه، پیامدهای بیداری اسلامی، نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، رایزنی‌های تهران و دمشق، ظهور گروه‌های تکفیری و ضرورت حضور مستشاری ایران می‌پردازد. بخش دوم، خاطرات سفرها و دیدارهای دیپلماتیک شهید امیرعبداللّه‌یان با مقامات کشورهای مختلف پیرامون تحولات منطقه را روایت می‌کند. در بخش سوم نیز ضمن بررسی ابعاد مختلف مدیریت بحران، نقش بیدیل شهید سلیمانی در هدایت محور مقاومت و تأمین امنیت منطقه از نگاه این دیپلمات ارشد کوشورمان مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار گرفته است. خوانندگان محترم با مطالعه دقیق این اثر ارزشمند می‌توانند به درک عمیق‌تری از تاریخ معاصر منطقه دست یابند.



کتاب «صبح‌شام؛ روایتی از بحران سوریه» نوشته محمدمحسن مصطفی بر اساس خاطرات شهید حسین امیرعبداللّه‌یان، توسط انتشارات سوره مهر به چاپ یازدهم رسید. این اثر ارزشمند که با توصیه مستقیم شهید سپهد قاسم سلیمانی و به منظور ثبت روایت دقیق تحولات سوریه، رشادات‌های نیروهای

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیرمسئول:

حمیدرضا بیانی

■ آدرس: خ سه‌په‌د قرنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ سه شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۸۷

یادداشت

«منشور»

با اتاق خواب ما هم کار دارد

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

برنامه منشور با اجرای بهاره افشاری، این روزها به یکی از پرحاشیه‌ترین تولیدات پلتفرمی تبدیل شده است. رویکرد این برنامه در جلب مخاطب، بیش از آنکه برپایه محتوای فاخرو سازنده طراحی شده باشد، برمانور روی خطوط قرمزها و ایجاد هیجانات کاذب برای جذب مخاطب تمرکز دارد. سازندگان این برنامه به خوبی دریافته‌اند که امروزه در رقابت نابرابر با شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، تنها راه بقا، عبور از مرزهای محتاطانه گذشته و ورود به حریم‌های ممنوعه است. بهاره افشاری در این برنامه، نقاب یک مصلح اجتماعی دلسوز و آگاه به خود گرفته است.

او با لحنی نصیحت‌گونه و ظاهری حق به جانب، سعی می‌کند خود را در جایگاه یک روشنفکر منتقد قرار دهد. اما این ژست اصلاح‌طلبی، تنها یک پوسته توخالی برای پوشاندن اهداف تجاری و ریتینگ‌محور برنامه است. او در حالی از اخلاق و هنجارهای اجتماعی سخن می‌گوید که دقیقاً همان اصول را در عمل قربانی می‌کند. این تناقض آشکار، نشان‌دهنده عمق فاجعه اخلاقی در تولیدات پلتفرمی است. مخاطب امروز به راحتی متوجه این بازی می‌شود و می‌فهمد که دلسوزی‌های خانم مجری تنها برای پرکردن جیب و بالا بردن آمار بیننده است.

دعوت از هممانان جنجالی، طرح سوالات خصوصی و تعرض به حریم شخصی افراد و برجسته کردن حواشی به جای پرداختن به ریشه‌های واقعی مشکلات اجتماعی، از جمله ترفندهای نه چندان تمیز این برنامه است.

افشاری با زیرکی تمام، مرز بین آگاهی‌بخشی و زردنگاری را عمداً مخدوش می‌کند تا مخاطب را در برزخی از کنجکاوی و شرمساری نگه دارد. این رویکرد، نه تنها به سلامت روان جامعه آسیب می‌زند، بلکه قبح زدایی از خط قرمزها را عادی‌سازی می‌کند. وقتی مجری اخلاق را ابزاری برای فریب مخاطب قرار می‌دهد، اعتماد عمومی خدشه‌دار می‌شود. این برنامه به خوبی نشان می‌دهد که چگونه می‌توان در پوشش نقاب اصلاح‌گری، به ترویج ابتذال پرداخت و برای چند لایک و کلیک بیشتر ارزش‌های اخلاقی، عرفی و شرعی را با طرح مواردی -که از بیان آن عرق شرم برجبین‌مان می‌نشیند- به راحتی لگدمال کرد.